



سوره مبارکه انعام

جلسه اول: ۹۲/۳/۲۸

- سوره مبارکه انعام از سوره حامدات است.

- سوره حامدات با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شروع می‌شوند.

- سوره حامدات عبارتند از: سوره‌های مبارکه «حمد»، «انعام»، «کهف»، «فاطر» و «سبأ»

- اختصاصات ویژه سوره مبارکه انعام:

✓ در بین سوره‌های بلند قرآن تنها سوره‌ای که یکجا نازل شده انعام است.

✓ بنابراین اهمیت منسجم دیدن این سوره بیش از سوره دیگر است.

✓ در روایت آمده است که هفتاد هزار فرشته هنگام نزول این سوره، آن را محافظت می‌کردند.

✓ در ثواب قرائت آن آمده است: مَلَكِي از آسمان هفتنم قرار داده شده است که اگر شیطان خواست قاری این سوره را وسوسه

کند، آن ملک با پُتک بر سر شیطان بگوید. لذا این سوره، محافظت از وسوسه دارد.

✓ هر کسی هر شب این سوره را بخواند روز قیامت در امان خداوند است.

✓ درباره سه آیه اول این سوره در روایت آمده است: هر کس سه آیه اول این سوره را بخواند خداوند چهل هزار فرشته برای

او قرار می‌دهد که تا روز قیامت همانند عبادتی که خودشان انجام می‌دهند برای او هم بنویسند و این نشان می‌دهد که سه

آیه اول، اثر ویژه‌ای در عمیق کردن باور دارد.

✓ بنابراین سه آیه اول سوره مبارکه انعام بسیار مهم است و با توجه به یکپارچه نازل شدن این سوره می‌توان نتیجه گرفت که

تمام آیات این سوره کانه شرح و تفصیل سه آیه اول این سوره هستند.

✓ در این جلسه ممکن است مباحث قدری سنگین به نظر برسد زیرا شأن سوره مبارکه انعام، شأن بیان توحید است.

- این جلسه سه آیه اول سوره را باز می‌کنیم و شرح و بسط می‌دهیم:

آیات ۱ تا ۳:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱)

ستایش خدای را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد، با این همه کافران برای پروردگارشان همتا قرار می‌دهند.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس [برای شما] عمری مقرر داشت، و اجل حتمی نزد اوست، آن‌گاه شما [باز هم در قدرت او] شک می‌کنید.

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (۳)

و او در آسمان‌ها و زمین خداست. نهان و آشکار شما و آنچه را کسب می‌کنید می‌داند.

- سه آیه اول اجمال و احکام این سوره است و بقیه آیات تفصیل آن.

- این سوره معروف به سوره «احتجاج» است. زیرا استثنایی‌ترین احتجاج‌های قرآن در این سوره مبارکه آمده است.

- احتجاج انواع مختلف دارد: جدل، موعظه، حکمت، بیان، تمثیل و ...
- در این سوره واژه «قُل» بسیار تکرار شده است و تقریباً احتجاج‌ها، در موضع قُل‌های سوره آمده است.
- این سوره با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شروع شده است.
- توجه: در عربی موصول برای معرفی صله می‌آید، در آیه ۱ «الذی» موصول است، منظور این است با آنچه که بعد از الذی آمده است، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» را می‌توان شناخت:
- توصیفات خدا در آیه ۱ با اسامی: الله / خالق / جاعل / رب آمده است.
- «عدل گرفتن» به بیان آسان یعنی «برابر گرفتن». یعنی چیزی را کنار خدا و برابر خدا در نظر می‌گیرند.
- در آیه ۱ بنا بر قول حضرت علامه، «کل نظام کائنات و هستی» بیان شده است.
- «خلق»: یعنی ایجاد. علامه مصطفوی در التحقیق خلق را «ساخت یک شیء با استفاده از ابزار آلات و یا مواد قبلی با کیفیت جدید» دانسته‌اند. بنابراین خلق را به غیر از خدا نیز نسبت می‌دهند زیرا غیر از خدا هم ممکن است اجزایی را سر هم کند و چیزی بیافریند.
- البته خلقی که برای خدا به کار می‌رود با خلقی که برای مخلوق به کار می‌رود بسیار فرق دارد.
- «خلق»، آفریدن از عدم نیست بلکه واژه‌های «فاطر» و «بدأ» آفریدن از عدم، معنا می‌دهد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ (حمد)

۱) خلق ← آسمان‌ها و زمین

۲) جعل ← ظلمات و نور

الذین كفروا يعدلون (عدل می‌گیرند برای رب)

- از منظر انسانی که روی زمین ایستاده است هستی عبارت است از «آسمان‌ها و زمین». بنابراین «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» اشاره دارد به خلقت هستی از منظر انسانی که روی آن ایستاده است.

- «جعل»: به معنای قرار دادن یا به عبارت بهتر چیزی را در جایی مستقر کردن است.

- علامه مصطفوی در التحقیق درباره جعل آورده‌اند که: هر جعلی در خودش سه شأن دارد: «تقدیر» تدبیر»، «تقریر».

❖ تقدیر: چه عواملی باید جمع شوند تا استقرار اتفاق بیفتد.

❖ تدبیر: فراهم کردن شرایط برای استقرار است.

❖ تقریر: عملیاتی کردن و جاری کردن تدبیر

هستی
هست
ظلمات
نور

تقدیر
تدبیر
تقریر

آفریدن آسمان‌ها و زمین + جعل

۱- چون خدا جعل را برای ظلمات به کار برده است می توان نتیجه گرفت: ظلمات عدم محض نیست. یعنی ظلمات یک حیثیت وجودی دارد.

۲- واژه ظلمات در مقابل نور، به معنای عدم نور است.

۳- چون خداوند برای ظلمت و نور واژه جعل به کار برده است بنابراین امری است: تقدیر شدنی / تدبیر شدنی / تقریر شدنی

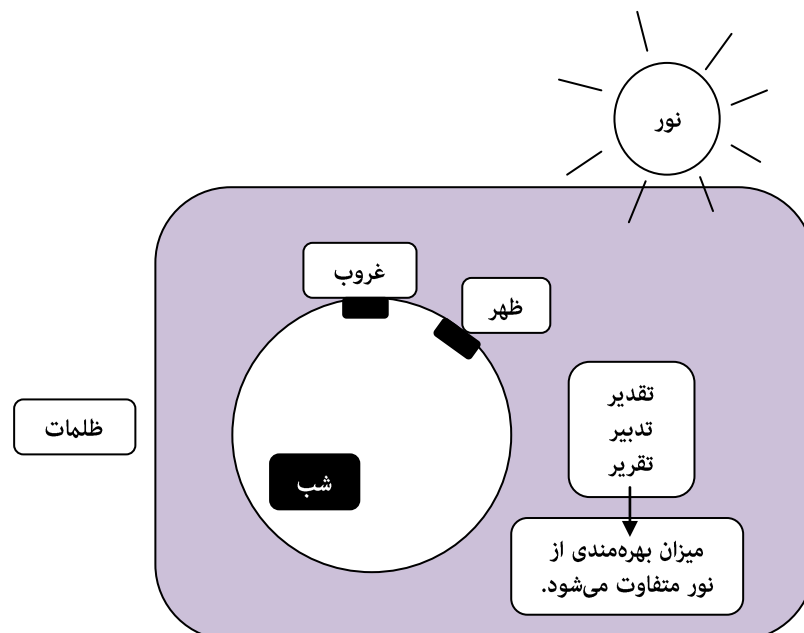
۴- در ضمن ظلمات را جمع آورده و نور را مفرد آورده است.

به طور خلاصه:

- ۱) ظلمات عدم محض نیست.
- ۲) ظلمات عدم نور است.
- ۳) ظلمات امری است: تقدیر شدنی / تدبیر شدنی / تقریر شدنی
- ۴) ظلمات را جمع آورده و نور را مفرد آورده است.

- ظلمات و نور مبتنی بر نظام تقدیر و تدبیر و تقریر هستند، مثال: در شکل زیر خورشید در حال تابیدن است و نوردهی آن در هر قسمت از کره زمین متفاوت است در بعضی قسمت‌ها مستقیم است و ظهر را ایجاد می کند و در بعضی از قسمت‌ها نور طلوع است و در بعضی قسمت‌ها غروب است و ... حتی میزان نور در قسمت روشن، در خانه‌های مختلف متفاوت است. یعنی نوع پنجره و ... در میزان رسیدن نور به خانه مؤثر است. پس: در نظام عالم بر اساس «تقدیر و تدبیر و تقریر» بهره‌مندی از نور متفاوت می شود. البته تمام مواردی که گفته شد هیچ تأثیری در اندازه نور برای خود خورشید ندارد.

- به کل این نظام «ظلمات» گفته می شود.



- نور ثابت است و قابل جمع شدن نیست. اما چون تقدیرها متفاوت است بهره‌مندی افراد از نور متفاوت می‌شود و به همین علت نظام ظلمات به وجود می‌آید. برای همین هم جعل ظلمات و نور یعنی «هست» و «هستی». به عبارت دیگر «هستی و بهره‌مندی از هست». هستی یعنی آن چیزی که از هست بهره برده است.

- مثال دیگر: آینه‌ای را در نظر بگیرید که به قطعات کوچکی تقسیم شده است و هر قطعه از آینه به اندازه تقدیر خودش چهره ما را به تصویر می‌کشد. اگر ما خودمان را از جلوی آینه کنار بکشیم دیگر تصویری در آینه نخواهد بود یعنی وجود تصویر در آینه وابسته به وجود ماست به همین علت آینه دائماً و هر لحظه برای نشان دادن تصویر ما وابسته به وجود ماست.

- در این آیه واژه ظلمات اصلاً واژه منفی‌ای نیست.

- توجه: همه توحید این است که موجودات بفهمند ظرف و آینه هستند و تصویر کسی دیگر در آنها افتاده است.

- توحید یعنی خدا یکی است و لا غیر. خدا «عدل» ندارد.

- اصلی‌ترین نیاز در انسان «وجود داشتن» است و فقط خداست که می‌تواند این نیاز را در انسان برطرف کند. وقتی درباره اصل نیاز سخن می‌گوییم، افراد هیچ مشکلی با این مسئله ندارند زیرا هیچ کسی غیر از خدا نمی‌تواند بودن را بدهد اما وقتی نظام ظلمات به وجود می‌آید افراد مشکل پیدا می‌کنند. مثلاً یکی از نیازهای انسان برای «بودن»، غذا خوردن است. خدا باید انسان را سیر کند ولی وقتی افراد می‌بینند که با غذا سیر می‌شوند، غذا خوردن را «عدل» خدا می‌گیرند. به خاطر وجود نظام ظلمات است که افراد برای خدا عدل می‌گیرند. فراموش می‌کنند که غذا هم اثر سیر کنندگی‌اش را از خدا گرفته است.

- افراد در هنگام عدل گرفتن اینچنین فکر می‌کنند:

✓ فقط خدا علم نمی‌دهد بلکه دانشگاه هم می‌تواند علم دهد.

✓ فقط خدا آرامش نمی‌دهد بلکه همسر هم می‌تواند آرامش دهد.

✓ فقط خدا در سختی‌ها دست انسان را نمی‌گیرد بلکه دوست هم در سختی‌ها دست انسان را می‌گیرد.

✓ فقط خدا روزی نمی‌دهد بلکه شغل هم می‌تواند روزی دهد.

- خداوند گاهی اسباب را از کار می‌اندازد تا آدم‌ها یادشان بیاید که نباید برای خدا عدل بگیرند. وقتی اسباب از کار می‌افتد و افراد دچار اضطراب می‌شوند یادشان می‌افتد که وجود و هستی‌شان دست خداوند است.

- نکته: در قیامت انسان‌ها نمی‌توانند برای خدا عدل بگیرند زیرا حق به تمامی، در آنجا ظهور دارد. به همین دلیل هیچ‌کس در قیامت نمی‌تواند کفر بورزد و کافر بماند.

- در نظام ظلمات، موجودات به خاطر نداشتن‌ها با هم متفاوت شده‌اند نه به خاطر داشتن‌ها.

- توجه: انسان‌ها و موجودات همه تصویر در آینه هستند و فقط خدا هست.

- حتی اهل بیت که تصویر کامل را جلوه می‌دهند باز هم تصویر هستند و نباید آنها را وجودی در کنار خدا در نظر بگیریم. اگر خدا اراده کند آنها هم عدم می‌شوند.

- در این آیه ظلم به معنای باطل نیست بلکه به معنای وجود ظرف است.

- آیه ۱ می‌خواهد بگوید:

- ❖ موجودات با قدرهای مختلف آفریده شده است.
 - ❖ هر موجودی به قدری معلوم است. درخت و حیوان و انسان و ... هر کدام تقدیر خودشان را دارند.
 - ❖ و به خاطر وجود نظام ظلمات اینها با هم متفاوت شده‌اند. درخت انسان نیست و انسان حیوان نیست و
 - ❖ در بین موجودات، انسان این قابلیت را دارد که ظلم به معنای باطل نیز انجام دهد یعنی محدودیت در محدودیت ایجاد کند.
- وقتی اهل بیت در ادعیه‌اشان از عباراتی مانند «ظلمت نفسی» استفاده می‌کنند به این علت است که می‌دانند، آنها فقط ظرف خالی علم و عدل و ... هستند و اگر علم و عدل و ... دیده می‌شود کسی دیگر است که این ظرف را پر می‌کند.

جمع بندی آیه ۱:

- ۱) تمام آنچه به عنوان هستی، در کنار خود درک می‌کنیم، مخلوق خداوند است.
- ۲) هستی، همگی حاصل تقدیر، تدبیر و تقریر الهی است.
- ۳) هستی، تمامی به اعتبار جلوه نور الهی، هستی یافته است.
- ۴) بهره موجودات در جلوه نور الهی متفاوت است و همین حقیقت عامل تفاوت میان موجودات است.
- ۵) محدودیت جلوه نور الهی در موجودات است که می‌تواند زمینه‌ساز کفر به خداوند می‌شود (کفر ورزیدن به خدا هم همان عدل گرفتن برای خداست).

نتیجه کاربردی از آیه اول

همه اینها لازم است تا انسان
برای خدا عدل نگیرد.

* خودم / مخلوقیت (امکانات موجود در خودم را ببینم البته مستند به خداوند)

جعل (تقدیر/ تدبیر/ تقریر)

* اسباب / امکانات / جعل

جعل (تقدیر/ تدبیر/ تقریر)

توضیح نکته کاربردی:

- خودمان و همه اسبابی که به کار می‌گیریم جزء هستی است.
- لازم است وقتی خودم را می‌بینم مخلوقیت خودم را ببینم یعنی امکانات موجود در خودم را ببینم البته مستند به خداوند. جعل خودم را ببینم یعنی ببینم چه تقدیر، تدبیر، تقریری برای من صورت گرفته است. یعنی:

- چه اندازه‌ای برای من در نظر گرفته‌اند؟ (تقدیر)

- بر اساس این اندازه چه برنامه‌ای برای من لحاظ کرده‌اند؟ (تدبیر)

- می‌خواهند چه چیزی در من محقق شود؟ (تقریر)

زنگ دوم:

خلق آسمان و زمین
جعل ظلمات و نور

عدل گرفتن برای خداوند



- انسان اگر به نظام ظلمات:

- عرضی بنگرد، اسباب ایجاد می شود.
 - ولی اگر طولی بنگرد مراتب رشد ایجاد می شود و انسان پله پله بالا می رود.
- انسان هر لحظه با انتخاب های خود، تقدیرش را در جهت وسعت یا تنگی رقم می زند.

مثال: حضرت علامه در تفسیر المیزان برای نظام ظلمات و نور چنین مثالی زده اند:

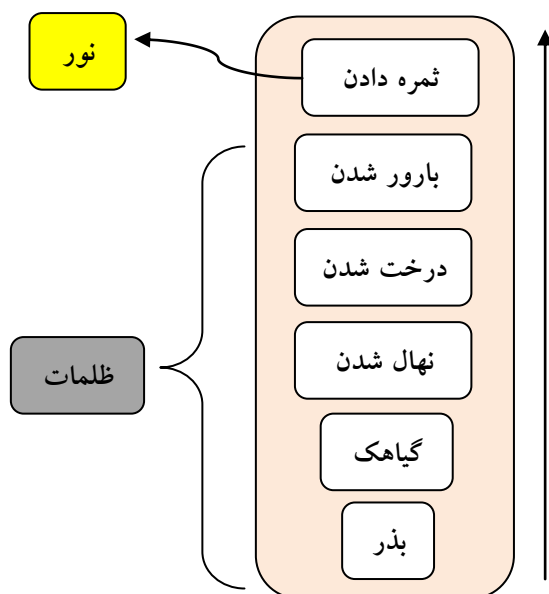
ثمر دادن درخت، نور محسوب می شود یعنی جایی که به غایت وجود و نهایت کمالش می رسد. درخت اگر بخواهد به

غایت وجودش - که ثمر دادن است - برسد مراحل زیر را طی می کند:

بذر/ گیاهک/ نهال شدن/ درخت شدن/ بارور شدن/ ثمره دادن

ثمر دادن درخت، «نور» است و بقیه مراحل، «ظلمات» برای درخت هستند.

یک نوع نظام ظلمات و نور در درخت



بنا به نظر حضرت علامه:

نور: غایت وجود هر شیء

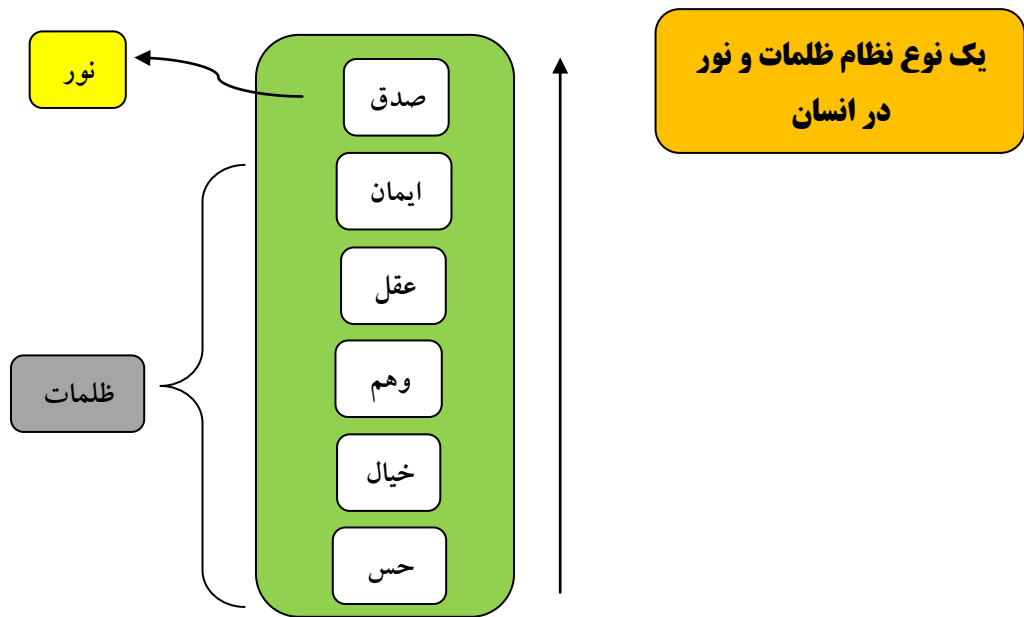
ظلمات: برای رسیدن به نور مراحل

وجود دارد. نظام عالم مرتبه ای و

مرحله ای پیچیده شده است.

غایت وجود انسان: جلوه دادن اسماء الهی است.

- انسان چون موجود پیچیده ای است و ساحت های مختلفی دارد پس می توان چند نوع ظلمات را برایش در نظر گرفت.

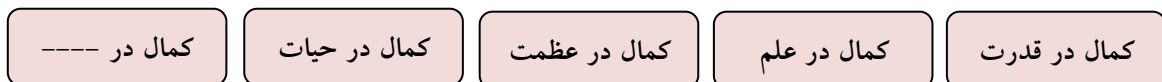


سوره انعام می خواهد بگوید:

در نظام هستی برای هر شیء و موضوع و ... «ثمره‌ای» در نظر گرفته شده است که غایت آن است و به آن «نور» گفته می‌شود و برای دستیابی به آن «نور»، نظام مراتب و مراحل وجود دارد که به آن «ظلمات» گفته می‌شود.

توجه

جلوه‌های مختلف کمال (اسماء الهی):



قبل از اینکه هر موجودی وجود داشته باشد خداوند وجود داشته است.

همه کمالات در خداوند مستجمع است.

خداوند همه این کمالات را جعل کرده است یعنی هر کدام حیثیت و اندازه‌ای دارند و از دیگری متفاوتند.

برای هر کمالی، موجودی تقدیر شده است که می‌تواند آن کمال را در خود جلوه دهد. مثلاً خداوند کوه را برای عظمت تقدیر کرده است و ...

موجود برای رسیدن به آن کمال باید مراحل را طی کند که به آن «ظلمات» گویند.

این همان مقام «حمد» خداوند است.

«حمد» یعنی رؤیت کمال

تفاوت انسان با دیگر موجودات در «حمد» است.

اگر حمد را حذف کنیم از موجودات حیثیتی باقی نمی‌ماند. از انسان، طین می‌ماند. از گل، بذر می‌ماند. از خانه، آجر می‌ماند و ...

انسان در هر لحظه از زندگی، با انتخاب‌های خود، تقدیرش را در جهت وسعت یا تنگی رقم می‌زند.

- معرفت در انسان اکتسابی نیست که به انسان بچسباند، بلکه انسان به ازای حرکت به سمت بالا، بهره‌اش از نور زیاد می‌شود و وسعت وجودی‌اش زیاد می‌شود.

- توجه مهم: «اکتساب» خود مرحله‌ای برای رسیدن به کمال است. بنابراین:

- نباید اکتساب را نفی کرد. کلاس نمی‌روم، درس نمی‌خوانم و ...
 - در اکتساب نیز متوقف نشویم چون اکتساب مرحله‌ای برای رسیدن است نه خود رسیدن.
- یعنی برای اکتساب دو آفت وجود دارد: ۱- نفی اکتساب ۲- توقف در اکتساب.

جمع‌بندی آیه ۳:

۱- باید دقت کنیم که هر کاری و عملی چه کسبی برای ما ایجاد می‌کند.

۲- کسب حاصل از کارهای خوب، نقطه‌ی پایان و کمال نیست.

۳- اکتسابات باید در نهایت به حمد ختم شود. (حمد یعنی جلوه کمال در وجود موجود)

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین